

عنوان مقاله:

آموزش هنر و نقش اصلاحی آن در رفتارهای فردی و اجتماعی

محل انتشار:

اولین همایش ملی پژوهش های کاربردی در هنر (آموزش تا کارآفرینی) (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 13

نویسندگان:

الهام دیبامقدم - مدرس دانشکده کوثر، دانشگاه فنی و حرفه ای استان گلستان، گنبدکاووس، ایران

نونا رضوانی - مدرس دانشکده کوثر، دانشگاه فنی و حرفه ای استان گلستان، گنبدکاووس، ایران

خلاصه مقاله:

بسیاری از فلاسفه و هنرمندان آراء متفاوتی در تعریف مفهوم و چیستی هنر عرضه داشتند. اما در مجموع می توان گفت آنچه در انسان حس زیبایی را بیدار می کند، می تواند تعریف مناسبی برای هنر باشد، که به نظر فلاسفه نزدیک تر است. هنر در شرق و غرب تعاریف متفاوتی دارد و در هر منطقه نیز بسته به ایدئولوژی، ساختار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنجا، چهره های نو بخود می گیرد. اما در شرق، هنر با زیبایی و مباحث عرفانی و معنوی پیوند دارد. از اینرو جامعه، هنرمندان را به لحاظ اخلاقی و اجتماعی جزء گروه های متعالی بشمار آورده و افکار و خط مشی ایشان را الگویی برای تعالی روح و اخلاق می داند. در این مقاله سعی شده به این سوال پاسخ داده شود که: پیوستگی هنر و اخلاق، تنها به دلیل ویژگی های شخصیتی و اندیشه ی عرفانی هنرمندان است؟ یا تعالیم رفتاری آموخته شده در روند تولید محصولات متنوع هنری، خود نیز در اصلاح و تعدیل افکار و رفتار هنرمند دخیل هستند؟ این تحقیق به شیوه توصیفی- تحلیلی صورت پذیرفته و روش جمع آوری مطالب بصورت کتابخانه ای بوده است. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که: هنرمند علاوه بر نوع نگاه عرفانی و فلسفی خود، به منظور اجرای صحیح و بی عیب و نقص یک اثر، نیاز به تمرکز و تسلط به افکار، امید به آینده، تفکر عمیق، حفظ حرمت و جلب رضایت مخاطب و... دارد که دستیابی به هر کدام از آنها مستلزم تعلیم دیدن از مدرسانی کارآزموده و تکرار و تمرین دراز مدت است. این تعالیم و تمرین، شفافیت افکار، تلطیف گفتار و وقار در رفتار را به ارمغان می آورد.

کلمات کلیدی:

هنر، تعلیم و تربیت، اخلاق، رفتار فردی، رفتار اجتماعی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1268722>

